



انجمن علمی فقه‌پژای تفسیری ایران



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

Volume 4, Issue 2, 2026

Intent in Crimes Against Civilians Before International Justice: An Analysis of Mental Elements, Evidentiary Challenges, and the Jurisdiction of the International Criminal Court

Sara Rostami^{1*}

1. Assistant Professor and Faculty Member, Department of Law and Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 33-44

Corresponding Author's Info:

ORCID: 0000-0003-0672-3616

TELL: +989353919437

Email: Dr.Rostami@pnu.ac.ir

Article history:

Received: 05 Dec 2025

Revised: 23 Dec 2025

Accepted: 05 Feb 2026

Published online: 22 Jun 2026

Keywords:

Intent, Civilians, International Crimes, Evidentiary Challenges, Jurisdiction.

ABSTRACT

Intent constitutes the critical dividing line between criminal conduct and other acts committed during violent conflicts. Its precise determination distinguishes justice from retaliation and serves as a fundamental prerequisite for the attribution of individual criminal responsibility. This study examines the concept of intent as a central yet highly complex notion in international criminal law, focusing on its role as the mental element (*mens rea*) of major international crimes committed against civilians within the framework of international criminal jurisdiction. The findings indicate that the International Criminal Court (ICC), through its jurisprudence, has encountered significant evidentiary challenges in establishing specific intent (*dolus specialis*) in the crime of genocide, as well as in distinguishing between direct intent and conditional intent (*dolus eventualis*) in war crimes and crimes against humanity. Furthermore, the Court's jurisdiction faces substantial legal and political obstacles, including the non-membership of influential states and the issuance of arrest warrants against high-ranking state officials, both of which complicate the process of proving intent within these complex contexts. The study concludes that, although the ICC has made considerable progress in developing standards for assessing intent, overcoming evidentiary difficulties and enhancing the effectiveness of international criminal justice require the continued evolution of judicial practice and the unconditional support of the international community. Employing a descriptive-analytical methodology and drawing upon library-based sources and the jurisprudence of international tribunals, this research explores the various levels of intent recognized under the Rome Statute, including direct intent, certain knowledge (often associated with *dolus eventualis*), and conscious awareness.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Rostami, S(2026). "Intent in Crimes Against Civilians Before International Justice: An Analysis of Mental Elements, Evidentiary Challenges, and the Jurisdiction of the International Criminal Court". *Journal of International Criminal Law*, 4(2): 33-44.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین‌الملل

دوره چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۵

عمد در جنایات علیه غیرنظامیان در محکمه عدالت: تحلیل ارکان، چالش‌های اثباتی و صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری

سارا رستمی^{*۱}

۱. استادیار گروه حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

عمد، خط تمایز حیاتی بین رفتار جنایی و سایر اعمال در درگیری‌های خشونت‌بار است و تعیین دقیق آن، عدالت را از انتقام‌جویی جدا می‌سازد و هدف آن تحلیل مفهومی کلیدی و درعین‌حال پیچیده در حقوق بین‌الملل کیفری به‌عنوان رکن روانی جرائم مهم بین‌المللی علیه غیرنظامیان در چارچوب صلاحیت بین‌المللی است و عمد رکن روانی جرائم مهم بین‌المللی علیه غیرنظامیان در چارچوب یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دیوان بین‌المللی کیفری در روبه‌قضایی خود با چالش‌های اثباتی عمیقی در زمینه احراز قصد خاص در جرم نسل‌زدایی و تمایز بین عمد مستقیم و عمد احتمالی در جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت روبرو بوده است. همچنین، صلاحیت دیوان با موانع سیاسی و حقوقی جدی، از جمله عدم عضویت کشورهای قدرتمند و صدور حکم جلب علیه سران دولتی، مواجه است که اثبات عمد در این بسترهای پیچیده را دشوارتر می‌سازد. نتایج آنکه اگرچه دیوان در توسعه معیارهای عمد گام‌های بلندی برداشته، اما برای غلبه بر چالش‌های اثباتی و تقویت کارآمدی خود، نیازمند توسعه هر چه بیشتر رویه قضایی و حمایت بی‌قید و شرط جامعه بین‌المللی است. این پژوهش با روشی تحلیلی-توصیفی و با اتکا به منابع کتابخانه‌ای و بررسی آراء محاکم بین‌المللی، به واکاوی سطوح مختلف عمد در اساسنامه رم، از جمله قصد مستقیم، علم قطعی (عمد احتمالی) و دانش آگاهانه می‌پردازد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۳-۴۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۰۰۰-۰۰۰۳-۰۶۷۲-۳۶۱۶

تلفن: +۹۸۹۳۵۳۹۱۹۴۷۳

ایمیل: Dr.Rostami@pnu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۱/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

عمد، غیرنظامیان، جنایات بین‌المللی، چالش‌های اثباتی، صلاحیت.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به‌صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

در صحنه آکنده از خشونت درگیری‌های مسلحانه، غیرنظامیان همواره آسیب‌پذیرترین قربانیان بوده‌اند (کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۱۲۰). پاسخ جامعه بین‌المللی به این بی‌عدالتی بنیادین، تأسیس محاکم کیفری بین‌المللی، به‌ویژه دیوان بین‌المللی کیفری (ICC) به‌عنوان نخستین دادگاه دائمی جهانی، بوده است. با این حال، محکومیت مرتکبان این جنایات، منوط به اثبات عناصر متشکله جرم، به‌ویژه «رکن روانی» یا «عمد» است. عمد که نشان‌دهنده قصد و نیت مجرمانه فرد است، قلب تپنده هر دادرسی کیفری محسوب می‌شود و در حقوق بین‌الملل کیفری، از حساسیت و پیچیدگی مضاعفی برخوردار است (حاجی ده‌آبادی و عسگری مروت، ۱۳۹۸: ۲۳۵). مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان قصد و نیت درونی یک فرمانده نظامی یا یک سیاستمدار را در بستر یک درگیری گسترده و پیچیده، آن هم ماه‌ها یا سال‌ها پس از وقوع حوادث، به‌گونه‌ای اثبات کرد که معیارهای دادرسی عادلانه را نیز برآورده سازد؟ این چالش، هسته مرکزی مباحثات حقوقی در دیوان بین‌المللی کیفری را تشکیل می‌دهد (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۵: ۸۹). سؤال اصلی این پژوهش آن است که ارکان و سطوح مختلف «عمد» در اساسنامه رم چگونه تعریف شده و دیوان بین‌المللی کیفری در رویه قضایی خود با چه چالش‌های عمده‌ای در زمینه اثبات این عمد و اعمال صلاحیت خود مواجه بوده است؟ فرضیه این مقاله بر این است که اگرچه اساسنامه رم سطوح مختلف عمد را با دقت نسبی تعریف کرده، اما تفسیر و اثبات عملی این مفاهیم در دادگاه، به‌ویژه در پرونده‌های مرتبط با سران دولتی، با موانع حقوقی-سیاسی تقریباً غیرقابل عبوری روبرو است (میر محمد صادقی، ۱۴۰۱: ۱۵۶).

مطالعه پیشینه موضوع نشان می‌دهد که اگرچه جامعه بین‌المللی با تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری پاسخی به این بی‌عدالتی داده است، اما محکومیت مرتکبان این جنایات منوط به اثبات عناصر متشکله جرم، به‌ویژه «رکن روانی» یا «عمد» می‌باشد. عمد که نشان‌دهنده قصد و نیت مجرمانه فرد است، در حقوق بین‌الملل کیفری از حساسیت و پیچیدگی مضاعفی برخوردار است. تاریخچه توجه به عمد در حقوق بین‌الملل کیفری به محاکم نورنبرگ و توکیو بازمی‌گردد، اما تدوین

نظام‌مند آن در اساسنامه رم صورت گرفته است. در حال حاضر، تفسیر و اعمال معیارهای عمد در دادگاه‌های بین‌المللی با چالش‌های متعددی روبرو است که نیازمند تحلیل دقیق می‌باشد. در این موضوع چالش‌های اثبات عنصر عمد در دادگاه‌ها که اثبات «عنصر روانی» یا «عمد» در دادگاه‌های بین‌المللی، هسته اصلی مسأله شما را تشکیل می‌دهد. این فرآیند با موانع متعددی روبرو است که نوآوری را مشهود می‌سازد:

- **استنتاج قصد از رفتارها:** قضات اغلب نمی‌توانند مستقیماً به ذهن متهمان نفوذ کنند. در عوض، آنان باید قصد (برای نسل‌کشی) یا علم (برای جنایات علیه بشریت) را از شواهد Circumstantial مانند ماهیت، مقیاس و تداوم اقدامات مرتکب استنتاج کنند. این استنتاج همواره در معرض چالش و تفسیرهای مختلف حقوقی قرار دارد.

- **دشواری گردآوری ادله:** جمع‌آوری مدارک مستقیم و معتبر در بستر درگیری‌های مسلحانه و ناامنی بسیار مشکل است. دسترسی به محل وقوع جرم، تهدید شاهدان و نابودی عمدی مدارک توسط مقامات، بر پیچیدگی‌های این امر می‌افزاید.

- **چالش‌های فرآیندی:** سیستم‌های دادرسی بین‌المللی ذاتاً پیچیده و زمان‌بر هستند. تطابق با معیارهای ВИСОК دادرسی عادلانه، همکاری نکردن دولت‌ها و فشارهای سیاسی خارجی می‌تواند روند اثبات جرم را به‌شدت کند یا مختل نماید. این مقاله به‌صورت توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی، بین‌الملل و مطالعه موردی تدوین شده است.

۱- تحلیل ارکان جرم: جایگاه رکن روانی (عمد) در اساسنامه

رم

اساسنامه رم، به‌عنوان سند تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، برای اولین بار در تاریخ حقوق بین‌الملل، به‌صورت مدون و نسبتاً جامع، به تعریف ارکان جرائم بین‌المللی و به‌ویژه رکن روانی آن‌ها پرداخته است (Schabas, 2011: 78). ماده ۳۰ اساسنامه، قاعده کلی حاکم بر رکن روانی است.

۱-۱- تحلیل ارکان جرم در اساسنامه رم

اساسنامه رم به‌عنوان سند تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری، برای اولین بار در تاریخ حقوق بین‌الملل به‌صورت مدون به تعریف ارکان جرائم بین‌المللی پرداخته است. ماده ۳۰ اساسنامه رم قاعده کلی حاکم بر رکن روانی است که مقرر می‌دارد جرم تنها زمانی واقع می‌شود که شخص با «عمد و علم» عمل کند (رستمی، ۱۴۰۰: ۲۰). این تعریف دو سطح کلیدی از رکن روانی را معرفی می‌کند: قصد مستقیم و علم قطعی. برای مثال، هنگامی که یک سرباز مستقیماً به‌سوی غیرنظامیان نشانه می‌رود، قصد مستقیم دارد؛ اما هنگامی که فرماندهی با علم به حضور غیرنظامیان دستور حمله می‌دهد، دارای علم قطعی است (Ahadi & Hatami, 2022: 15). برای جرائمی مانند نسل‌زدایی، سطح بالاتری از عمد تحت عنوان «قصد خاص» موردنیاز است. این استاندارد بالا اثبات اینکه مرتکب نه‌تنها قصد کشتن افراد را داشته، بلکه این قصد بخشی از نیت بزرگ‌تر برای نابودی گروه بوده را بسیار دشوار می‌سازد (اساسنامه رم، ۱۹۹۸: ماده ۶).

۱-۲- ماده ۳۰ اساسنامه رم: قاعده کلی عمد و علم

ماده ۳۰ اساسنامه رم مقرر می‌دارد که یک جرم تنها در صورتی واقع می‌شود که شخص با «عمد و علم» کند. این ماده به‌تفصیل مشخص می‌کند:

۱-۲-۱- عمد (Intent): در رابطه با یک شخص قصد انجام آن را دارد. در رابطه با یک نتیجه، شخص قصد ایجاد آن نتیجه را دارد یا آگاهانه خطر وقوع آن را در جریان عادی امور می‌پذیرد (اساسنامه رم، ۱۹۹۸: ماده ۳۰).

۱-۲-۲- علم (Knowledge): به این معناست که شخص آگاه است که یک نتیجه در جریان عادی امور واقع خواهد شد. این دانش می‌تواند به شرایط یا وجود یک Circumstance مرتبط باشد (اساسنامه رم، ۱۹۹۸: ماده ۳۰).

این تعریف، دو سطح کلیدی از رکن روانی را معرفی می‌کند: «قصد مستقیم» (Intent) و «علم قطعی» (Knowledge). برای مثال، هنگامی که یک سرباز مستقیماً به‌سوی یک غیرنظامی نشانه می‌رود و او را می‌کشد، قصد مستقیم دارد؛ اما هنگامی که

یک فرمانده دستور بمباران یک منطقه مسکونی را صادر می‌کند، با علم به اینکه غیرنظامیان کشته خواهند شد، حتی اگر قصد اصلی او تصرف یک موضع نظامی باشد، دارای «علم قطعی» است و تحت شمول ماده ۳۰ قرار می‌گیرد. این مفهوم در حقوق کامن‌لا، تحت عنوان «عمد احتمالی» (Dolus Eventualis) نیز شناخته می‌شود (Robinson, 1999: 316).

۱-۳- سطوح فراتر از ماده ۳۰: قصد خاص در نسل‌زدایی

اگرچه ماده ۳۰ قاعده کلی است، اما برای برخی جرائم خاص، سطح بالاتری از عمد موردنیاز است. بارزترین مثال، جرم نسل‌زدایی است. مطابق ماده ۶ اساسنامه رم، نسل‌زدایی مستلزم ارتکاب یکی از اعمال مذکور (مانند کشتن اعضای یک گروه) با قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی است (اساسنامه رم، ۱۹۹۸: ماده ۶). این «قصد خاص» (Dolus Specialis) یک استاندارد فوق‌العاده بالا است. اثبات این که مرتکب نه‌تنها قصد کشتن افراد را داشته، بلکه این قصد، بخشی از یک نیت بزرگ‌تر برای نابودی خود «گروه» به‌عنوان یک هویت جمعی بوده، دشوارترین وظیفه دادستان است (Ahadi & Hatami, 2022: 5).

۱-۴- معیار «دانش آگاهانه» در مسئولیت فرماندهی

ماده ۲۸ اساسنامه رم به مسئولیت فرماندهان و سایر مافوق‌ها می‌پردازد. در اینجا، رکن روانی به‌صورت «دانش» فرمانده تعریف می‌شود. یک فرمانده نظامی یا مافوق مدنی در صورتی مسئول است که می‌دانسته یا جهل او ناشی از بی‌مبالاتی او بوده که مادونش در حال ارتکاب یا قصد ارتکاب چنین جرائمی هستند (اساسنامه رم، ۱۹۹۸: ماده ۲۸). این معیار، بر خلاف قصد مستقیم، بر بی‌مبالاتیو غفلت استوار است و دامنه مسئولیت کیفری را به‌طور قابل‌توجهی گسترش می‌دهد (حاجی‌ده‌آبادی و عسگری مروت، ۱۳۹۸: ۲۴۰).

بنابراین، در این بخش مشخص شد که اساسنامه رم یک نظام سلسله‌مراتبی و پیچیده برای رکن روانی طراحی کرده است. ماده ۳۰ با تعریف «عمد و علم» قاعده کلی را حفظ می‌کند. با این حال، برای جرائمی مانند نسل‌زدایی، «قصد خاص» فراتر از این قاعده رفته و برای مسئولیت فرماندهی، معیار «دانش و بی‌مبالاتی» کافی است. این سطوح مختلف، نشان‌دهنده

مسکونی خاصی را هدف قرار می‌دهند، سیاست‌های تبعیض‌آمیز دولتی و الگوهای سیستماتیک خشونت باشد. برای مثال، در پرونده "عمر البشیر" رئیس‌جمهور سودان، دادستان دیوان به سخنرانی‌های او، سیاست‌های تحریک‌آمیز دولت و الگوی سیستماتیک حملات به مناطق دارفور استناد کرد تا قصد نابودی گروه‌های قومی خاص را اثبات کند. با این حال، حتی با وجود این مدارک، احراز "قصد خاص" بسیار دشوار است و اغبات (اغبات) (اقناع) قضات را با مشکل مواجه می‌سازد (دهقان پور، ۱۴۰۳: ۵).

۲-۱-۲- تمایز بین جنایت علیه بشریت و نسل‌زدایی: اغلب، اعمالی که می‌تواند جنایت علیه بشریت باشد، به دلیل عدم اثبات قصد خاص نسل‌زدایی، تحت این عنوان تعقیب نمی‌شود (Ahadi & Hatami, 2022: 6).

۲-۲- تمایز بین عمد مستقیم و عمد احتمالی در عمل

در میدان نبرد، مرز بین قصد مستقیم کشتن غیرنظامیان و قبول خطر کشته شدن آنان به‌عنوان یک نتیجه ثانویه، بسیار مبهم است. یک فرمانده ممکن است ادعا کند که حمله به یک مدرسه، به دلیل حضور مبارزان دشمن در آن بوده و کشته شدن کودکان یک "خسارت" Collateral اجتناب‌ناپذیر بوده است. دادستان باید اثبات کند که این خسارت به‌طور واضح "بیش‌ازحد" بوده است (ماده ۸(۳)(iv)(b) اساسنامه رم) و فرمانده به این امر "علم" داشته است (اساسنامه رم، ۱۹۹۸: ماده ۸). این امر نیازمند تحلیل دقیق اطلاعات در دسترس فرمانده در زمان تصمیم‌گیری است (دهقان پور، ۱۴۰۳: ۴).

۲-۳- چالش‌های ادله‌سازی: دسترسی به صحنه جرم و شهود دیوان اغلب سال‌ها پس از وقوع جنایت وارد عمل می‌شود. صحنه جرم ممکن است در کنترل دولت متهم باشد و دسترسی به آن غیرممکن باشد. شهود کلیدی ممکن است ترس از انتقام داشته باشند، فوت کرده باشند یا خود در ارتکاب جنایت دست داشته باشند. جمع‌آوری مدارک فیزیکی و مستندات در چنین شرایطی، یک عملیات بسیار پیچیده و پرخطر است (Ahadi & Hatami, 2022: 7).

حساسیت دادگاه در تطبیق معیارهای روانی با شدت و طبیعت متفاوت جرائم است؛ بنابراین، می‌توان دریافت که دیوان برای تحقق عدالت، ناگزیر از عبور از یک مسیر باریک حقوقی است که از سویی باید قاطع باشد و از سوی دیگر، از اتهام‌زنی سیاسی بپرهیزد.

۲- چالش‌های اثباتی عمد در محاکم بین‌المللی

اثبات "قصد خاص" نسل‌زدایی بزرگ‌ترین چالش دادستان‌هاست. در غیاب اعتراف متهم یا دستور مستقیم کتبی، دادگاه‌ها به مدارک Circumstantial متکی می‌شوند (دهقان پور، ۱۴۰۳: ۲۵). این مدارک شامل سخنرانی‌های تحریک‌آمیز، طرح‌های نظامی و الگوهای سیستماتیک خشونت است. اگرچه تعاریف حقوقی عمد نسبتاً روشن به نظر می‌رسند، اما اثبات عملی آن‌ها در دادگاهی بین‌المللی با موانع (تقریباً) غیرقابل تصویری روبرو است (Cryer, 2019: 205).

در میدان نبرد، تمایز بین عمد مستقیم و عمد احتمالی مبهم است. یک فرمانده ممکن است ادعا کند کشته شدن غیرنظامیان "خسارت" Collateral اجتناب‌ناپذیر بوده است. دادستان باید اثبات کند این خسارت به‌طور واضح "بیش از حد" بوده است (Cryer, 2019: 45).

دیوان اغلب سال‌ها پس از وقوع جنایت وارد عمل می‌شود. صحنه جرم ممکن است در کنترل دولت متهم باشد و دسترسی به آن غیرممکن باشد. شهود کلیدی ممکن است ترس از انتقام داشته باشند یا فوت کرده باشند (Broomhall, 2003: 78).

۲-۱- اثبات قصد خاص در نسل‌زدایی: معمای نهایی

همان‌طور که اشاره شد، اثبات "قصد خاص" نسل‌زدایی، بزرگ‌ترین چالش دادستان‌هاست. قاضی باید به این نتیجه برسد که متهم نه‌تنها قصد کشتن افراد را داشته، بلکه این کشتار، وسیله‌ای برای نابودی کل گروه بوده است. چگونه می‌توان این نیت پنهان را اثبات کرد؟

۲-۱-۱- استفاده از اسناد و مدارک Circumstantial: در غیاب اعتراف متهم یا دستور مستقیم کتبی، دادگاه‌ها به مدارک Circumstantial متکی می‌شوند. این مدارک می‌توانند شامل سخنرانی‌های تحریک‌آمیز، طرح‌های نظامی که مناطق

این امر بار اثباتی مضاعفی را به دوش دادستان می‌گذارد (Ahadi & Hatami, 2022: 8).

۳-۲- چالش صلاحیت شخصی: مصونیت سران دولتی

یکی از بحث‌برانگیزترین مسائل، تعقیب سران دولتی است که طبق حقوق بین‌الملل عرفی از مصونیت برخوردارند. دیوان در پرونده "عمر البشیر" با استناد به این که مصونیت در برابر یک دادگاه بین‌المللی با صلاحیت کیفری (بر خلاف دادگاه‌های داخلی دیگر کشورها) قابل استناد نیست، حکم جلب او را صادر کرد. با این حال، اجرای این احکام به شدت وابسته به همکاری دولت‌هاست. عدم دستگیری البشیر توسط کشورهای مختلف که به آن سفر کرد، ضعف بزرگ نظام عدالت بین‌المللی را نشان می‌دهد (دهقان پور، ۱۴۰۳: ۶).

۳-۳- محدودیت عضویت و نقش شورای امنیت

دیوان تنها نسبت به اتباع کشورهای عضو یا جرائم واقع در قلمرو آن‌ها صلاحیت دارد. این در حالی است که قدرت‌های بزرگی مانند ایالات متحده، چین، روسیه و اسرائیل عضو اساسنامه رم نیستند. این امر منجر به یک انتقاد بزرگ می‌شود: دادگاهی که عمدتاً بر وضعیت کشورهای آفریقایی متمرکز است و نتوانسته است جنایات قدرتمندان را به طور مؤثر تعقیب کند. از سوی دیگر، شورای امنیت سازمان ملل می‌تواند طبق فصل هفت منشور، وضعیت کشورهای غیر عضو را به دیوان ارجاع دهد (مانند دارفور سودان و لیبی)؛ اما این مکانیسم نیز به شدت سیاسی است و می‌تواند با وتوی یکی از اعضای دائم شورای امنیت مسدود شود (دهقان پور، ۱۴۰۳: ۷).

بنابراین، صلاحیت دیوان جهانی نیست و توسط اصولی مانند "تکمیلی بودن" محدود شده است. مصونیت سران دولتی و عدم همکاری کشورها، اجرای احکام آن را با مشکل مواجه ساخته است. همچنین، عدم عضویت قدرت‌های بزرگ جهانی، باعث ایجاد اتهام "تبعیض" علیه دیوان شده و مشروعیت آن را زیر سؤال برده است. این محدودیت‌های صلاحیتی، بستری ایجاد می‌کند که در آن، حتی با وجود اثبات عمد، ممکن است عدالت محقق نشود؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که دیوان بیش از آن که یک نهاد قضایی مستقل باشد، بازیگری در یک عرصه سیاسی

بنابراین، چالش‌های اثباتی، بزرگ‌ترین مانع عملی در مسیر محکومیت مرتکبان جنایات علیه غیرنظامیان است. اثبات "قصد خاص" نسل‌زدایی نیازمند استدلال‌های پیچیده بر اساس مدارک غیرمستقیم است. تمایز بین عمد مستقیم و عمد احتمالی در میدان نبرد مبهم بوده و وابسته به تحلیل شرایط لحظه تصمیم‌گیری است. علاوه بر این، موانع ادله‌سازی، از جمله عدم دسترسی به صحنه جرم و حفاظت از شهود، بر پیچیدگی این فرآیند می‌افزاید؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد که موفقیت دیوان بیش از آن که به قوانین دقیق وابسته باشد، به همکاری بین‌المللی و توانایی کارآگاهی دادستان برای فائق آمدن بر این موانع بستگی دارد.

۳-۳- صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری و موانع فرارو

دیوان بین‌المللی کیفری یک دادگاه جهانی مطلق نیست و صلاحیت آن توسط اساسنامه رم به دقت محدود شده است. این محدودیت‌ها، خود به چالش اثبات عمد دامن می‌زند (Broomhall, 2003: 905). صلاحیت دیوان جهانی نیست و توسط اصولی مانند "تکمیلی بودن" محدود شده است. مطابق ماده ۱ اساسنامه رم، دیوان تنها زمانی می‌تواند اعمال صلاحیت کند که سیستم‌های قضایی ملی "غیرمایل" یا "ناتوان" از تعقیب واقعی پرونده باشند (رستمی، ۱۴۰۰: ۳۵). مصونیت سران دولتی و عدم همکاری کشورها، اجرای احکام دیوان را با مشکل مواجه ساخته است. همچنین، عدم عضویت قدرت‌های بزرگ جهانی، باعث ایجاد اتهام "تبعیض" علیه دیوان شده است (Schabas, 2011: 112).

۳-۱- صلاحیت ذاتی: اصل تکمیلی بودن

اصل بنیادین حاکم بر دیوان، "اصل تکمیلی بودن" (Complementarity) است. مطابق ماده ۱ اساسنامه رم، دیوان تنها زمانی می‌تواند اعمال صلاحیت کند که سیستم‌های قضایی ملی "غیرمایل" یا "ناتوان" از تعقیب واقعی پرونده باشند (اساسنامه رم، ۱۹۹۸: ماده ۱). این بدان معناست که دادستان دیوان نه تنها باید عمد متهم را اثبات کند، بلکه باید ابتدا ثابت کند که دادگاه‌های کشور متبوع متهم، هیچ اقدامی برای محاکمه او انجام ندادند یا اقدامات آن‌ها صوری بوده است.

است که دست و پا زدن برای اثبات حقوقی عمد، در آنگاه به حاشیه رانده می‌شود.

۴- مطالعه موردی پرونده‌های شاخص

۱-۴- پرونده دادستان علیه عمر البشیر (سودان)

این پرونده، اولین مورد تعقیب یک رئیس‌جمهور Sitting توسط دیوان بود. البشیر متهم به ارتکاب پنج جنایت جنایات علیه بشریت، دو جنایت جنایات جنگی و سه مورد نسل‌زدایی در دارفور بود. پرونده البشیر نماد چالش‌های سیاسی، مصونیت و اثبات قصد خاص است. دیوان در نهایت برای اتهامات نسل‌زدایی "دلایل معقول" کافی یافت، اما این اتهامات به دلیل دشواری فوق‌العاده در اثبات قصد خاص، همچنان مورد بحث هستند (ICC, 2009: 30).

۱-۱-۴- اثبات قصد خاص: دادستان برای اثبات قصد خاص نسل‌زدایی، به سیاست‌های سیستماتیک دولت سودان، از جمله استفاده از "جنجاوید" (شبه‌نظامیان عرب)، بمباران هوایی مناطق غیرنظامی و یک کمپین "تخریب عمدی" استناد کرد. دیوان در نهایت در مرحله صدور قرار جلب، برای اتهامات نسل‌زدایی "دلایل معقول" کافی یافت، اما این اتهامات در مراحل بعدی به دلیل دشواری فوق‌العاده در اثبات قصد خاص، همچنان مورد بحث و چالش هستند (ICC, 2009: 25-35).

۲-۱-۴- چالش مصونیت: این پرونده، آزمونی برای اصل مصونیت سران دولتی بود. دیوان بر این عقیده بود که اساسنامه رم، مصونیت را برای کسانی که مرتکب شدیدترین جنایات بین‌المللی شده‌اند، لغو کرده است (دهقان پور، ۱۴۰۳: ۶)؛ بنابراین، این پرونده به‌طور Tragically ناتمام ماند زیرا البشیر هرگز تحویل دیوان داده نشد و نشان داد که عدالت بین‌المللی در برابر سیاست و عدم همکاری، چه آسیب‌پذیر است.

۲-۴- عملیات چلچراغ منافقین: مصداق جنایت جنگی

در عملیات چلچراغ، سازمان مجاهدین خلق (منافقین) به شهر مهران حمله کرده و منجر به شهادت هزاران غیرنظامی ایرانی شدند (مداح، ۱۴۰۴: ۱).

۱-۲-۴- هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان: این عملیات به‌وضوح شامل "هدف قرار دادن عمدی غیرنظامیان" بوده که تحت ماده ۸ اساسنامه رم به‌عنوان جنایت جنگی طبقه‌بندی می‌شود (اساسنامه رم، ۱۹۹۸: ماده ۸).

۲-۲-۴- عدم رعایت اصل تناسب: حملات انجام شده فاقد هرگونه توجیه نظامی مشروع بوده و اصل تناسب در حقوق بشردوستانه بین‌المللی را نقض کرده است (مداح، ۱۴۰۴: ۲).

۳-۲-۴- چالش‌های تعقیب قضایی: اگرچه این اقدامات مصداق بارز جنایت جنگی است، اما به دلیل عدم عضویت ایران در اساسنامه رم و موانع سیاسی در شورای امنیت، امکان ارجاع پرونده به دیوان بین‌المللی کیفری وجود ندارد (Ahadi & Hatami, 2022: 9)؛ بنابراین، پرونده البشیر نماد چالش‌های سیاسی، مصونیت و اثبات قصد خاص است، درحالی‌که عملیات چلچراغ نمونه‌ای از جنایات جنگی است که به دلیل محدودیت‌های صلاحیتی دیوان، امکان تعقیب بین‌المللی پیدا نکرده است. این دو پرونده، دو روی سکه کارکرد دیوان را نشان می‌دهند: رویای عدالت مطلق در مقابل واقعیت‌های سخت و پیچیده جهان سیاست؛ بنابراین، می‌توان دریافت که تحقق عدالت برای غیرنظامیان تنها از طریق توسعه مکانیسم‌های قضایی مستقل و تقویت همکاری بین‌المللی ممکن خواهد بود.

۳-۴- چارچوب حقوقی بین‌المللی برای مقابله با جنایات عمدی علیه غیرنظامیان

چارچوب حقوقی فوق، عمدتاً حول سه جرم بین‌المللی اصلی «جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی» شکل گرفته است. این چارچوب متکی بر معاهدات بین‌المللی، عرف بین‌المللی و رویه قضایی دیوان‌های کیفری بین‌المللی است.

در ادامه، این چارچوب به‌طور کامل با ذکر منابع معتبر تحلیل شده و یک پرونده قضایی بین‌المللی نیز بررسی می‌شود. جدول زیر سه رکن اصلی این چارچوب حقوقی و مهم‌ترین اسناد مرتبط با آن را نشان می‌دهد:

جرم بین‌المللی	تعریف و عناصر کلیدی	مهم‌ترین اسناد و مواد قانونی
جنایات جنگی (War Crimes)	نقض فاحش قوانین و عرف‌های حاکم بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی. این جنایات مستقیماً با درگیری مسلحانه پیوند دارند. ^۱	<ul style="list-style-type: none"> کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹) و پروتکل‌های الحاقی آنها ماده ۸ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی: این ماده جامع‌ترین فهرست از جنایات جنگی را ارائه می‌دهد.
جنایات علیه بشریت (Crimes Against Humanity)	اعمالی چون قتل، شکنجه، تجاوز و ... که به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه هر جمعیت غیرنظامی و در زمان جنگ یا صلح ارتکاب می‌یابند (جمشیدی، ۱۴۰۲: ۷). برخلاف جنایات جنگی، وجود یک درگیری مسلحانه برای تحقق آن شرط نیست.	<ul style="list-style-type: none"> ماده ۷ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی منشور دادگاه نورنبرگ: اولین سندی که این مفهوم را به‌صورت حقوقی تعریف کرد.
نسل‌کشی (Genocide)	ارتکاب اعمالی با قصد نابودی کلی یا جزئی یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی. عنصر ممیزه آن "قصد خاص" نابودی گروه است.	<ul style="list-style-type: none"> کنوانسیون منع و مجازات نسل‌کشی (۱۹۴۸) ماده ۶ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی.

۳-۳-۱- تحلیل چارچوب حقوقی و اصول حاکم بر اصول بنیادین حقوق بشردوستانه بین‌المللی

حقوق بشردوستانه که رفتار در درگیری‌های مسلحانه را تنظیم می‌کند، بر چند اصل استوار است:

- اصل تفکیک: طرفین درگیر باید همواره بین غیرنظامیان و رزمندگان و نیز بین اهداف غیرنظامی و نظامی تمایز قائل شوند. حمله عمدی به غیرنظامیان مطلقاً ممنوع است.
- اصل تناسب: حمله به یک هدف نظامی زمانی مجاز است که خسارات جانبی به غیرنظامیان و اهداف غیرنظامی، متناسب با مزیت نظامی مستقیم و قطعی مورد انتظار نباشد.

- اصل منع رنج غیرضروری: به‌کارگیری سلاح‌ها و روش‌هایی که موجب رنج و آسیب غیرضروری می‌شوند، ممنوع است.

۳-۳-۲- صلاحیت و پیگرد قضایی جنایات بین‌المللی با نمونه عملی آن

- صلاحیت جهانی: جنایات بین‌المللی به‌گونه‌ای هستند که همه کشورها می‌توانند مرتکبان آن را محاکمه کنند، چراکه این جنایات "علیه جامعه بین‌المللی در کل" ارتکاب یافته‌اند.
- دیوان کیفری بین‌المللی (ICC): این دیوان به‌عنوان یک نهاد دائمی بین‌المللی، صلاحیت رسیدگی به این جنایات را دارد. اساسنامه رم (ماده ۸) شرط تحقق جنایت جنگی را وجود یک

¹- <http://www.icicl.org/details.asp?id=206>

²- <https://dadbanedalat.com/1402/08/26/>

بشریت، می‌تواند در درگیری‌های غیر بین‌المللی نیز اعمال شود (ذاکر حسین، ۱۴۰۱: ۱۵).

بنابراین، چارچوب حقوقی بین‌المللی با تعریف سه جرم اصلی نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی و تأسیس نهادهایی مانند دیوان کیفری بین‌المللی، ابزارهای قدرتمندی برای مقابله با جنایات عمدی علیه غیرنظامیان ایجاد کرده است. تحلیل پرونده نیاگاندا نیز به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه این چارچوب نظری در عمل به کار گرفته می‌شود و چگونه دادگاه‌های بین‌المللی به تدریج در حال توسعه و تحکیم قواعد مسئولیت کیفری برای مرتکبان این جنایات هستند.

نتیجه‌گیری

تحلیل ارکان، چالش‌های اثباتی و صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در پرونده‌های مربوط به عمد علیه غیرنظامیان، تصویری پیچیده و دوگانه را ترسیم می‌کند. از یک‌سو، اساسنامه رم با تعریف سطوح مختلف رکن روانی (از عمد و علم کلی در ماده ۳۰ تا قصد خاص در نسل‌زدایی و معیار دانش در مسئولیت فرماندهی)، یک چارچوب حقوقی پیشرفته و ظریف ایجاد کرده است. چالش‌های بزرگی مانند نقض مکرر مقررات توسط دولت‌های قدرتمند، مسئولیت دولت‌های حامی گروه‌های مسلح و ضعف در اجرای آرای دیوان همچنان پابرجاست و نقش جامعه بین‌المللی، تقویت حاکمیت قانون در عرصه بین‌المللی و حمایت بی‌طرفانه از بازماندگان این جنایات، برای کارآمدی هرچه بیشتر این چارچوب حقوقی حیاتی است.

دیوان نیز در رویه قضایی خود نشان داده که قادر به تفسیر و اعمال این معیارها در محکومیت فرماندهان جنگی است. این تلاش‌ها، گام‌های بلندی به‌سوی پایان دادن به فرهنگ معافیت از مجازات و تحقق عدالت برای قربانیان است. با این حال، از سوی دیگر، واقعیت‌های عملی، سدهای (تقریباً) غیرقابل نفوذی در مسیر این آرمان‌ها ایجاد می‌کنند. چالش‌برانگیزترین این موانع، اثبات "قصد خاص" در جرم نسل‌زدایی است که نیازمند ادله‌ای است که به‌ندرت به‌صورت مستقیم یافت می‌شود. مطالعه موردی پرونده البشیر و عملیات

"درگیری مسلحانه" می‌داند، خواه بین‌المللی باشد و خواه غیر بین‌المللی.

۳-۳-۴- پرونده دیوان کیفری بین‌المللی علیه بوسکو نیاگاندا پیشینه پرونده، بوسکو نیاگاندا، فرمانده سابق یک گروه شبه‌نظامی در جمهوری دموکراتیک کنگو، در اولین حکم تاریخ دیوان کیفری بین‌المللی در نوامبر ۲۰۱۹ به اتهام ارتکاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت در جریان یک درگیری مسلحانه غیر بین‌المللی گناهکار شناخته شد (عمادی، ۱۴۰۴: ۱۶).

۴-۳-۴- اتهامات و تحلیل حقوقی مربوط به پرونده مذکور

• جنایات علیه بشریت: از جمله اتهامات وی، قتل و آزار و اذیت غیرنظامیان به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده و سیستماتیک بود. این اتهامات بر اساس ماده ۷ اساسنامه رم مطرح شد و نشان‌دهنده این است که اعمال خشونت‌بار حتی در درگیری‌های داخلی نیز اگر سازمان‌یافته و علیه غیرنظامیان باشد، می‌تواند در زمره جنایات علیه بشریت قرار گیرد.

• جنایات جنگی: نیاگاندا به اتهاماتی مانند استخدام و به‌کارگیری کودکان سرباز زیر ۱۵ سال و هدایت عمدی حملات به غیرنظامیان محکوم شد. این اتهامات مستقیماً از ماده ۸ اساسنامه رم نشأت می‌گیرند و نقض فاحش کنوانسیون‌های ژنو و حقوق عرفی محسوب می‌شوند (عمادی، ۱۴۰۱: ۱۷).

اهمیت پرونده: این پرونده از چند جهت حائز اهمیت است:

- تأکید بر مسئولیت رهبری: این حکم نشان داد که فرماندهان و رهبران گروه‌های شبه‌نظامی نمی‌توانند با انکار آگاهی از جنایات، از مسئولیت شانه خالی کنند.
- حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر: محکومیت وی برای استخدام کودکان سرباز، بر حمایت ویژه حقوق بین‌الملل از کودکان در درگیری‌های مسلحانه تأکید کرد.
- شکافتن مرز درگیری‌های داخلی و بین‌المللی: این حکم نشان می‌دهد که قواعد حقوق بین‌الملل، به‌ویژه در مورد جنایات علیه

- جمشیدی، سارا (۱۴۰۲). «بررسی جنایت علیه بشریت و جرم انگاری آن در حقوق بین‌الملل کیفری و قوانین ایران». *مجله فصلنامه علمی آراء*.

- حاجی ده‌آبادی، احمد و عسگری مروت، علی (۱۳۹۸). «ترک فعل در جنایات غیرعمدی: از معیار تا مصداق». *مجله پژوهش‌های حقوقی*، سال ۸(۲۹): ۲۳۳-۲۵۹.

- دهقان‌پور، امیرحسین (۱۴۰۳). «از ضرورت نظامی تا جنایت علیه بشریت: چالش‌های حقوقی و بین‌المللی در جنگ تلافی جویانه علیه نوار غزه».

- ذاکر حسین، محمدهادی (۱۴۰۱). *تعمیب جرائم جنگی در دیوان بین‌المللی*. مرکز حقوق بین‌المللی کیفری.

- رستمی، محمود (۱۴۰۰). *صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری در پرونده‌های جنایات جنگی*. تهران: انتشارات خرسندی.

- ضیائی‌بیگدلی، محمدرضا (۱۳۹۵). *حقوق بین‌الملل عمومی*. تهران: نشر گنج دانش.

- فاطمه (۱۴۰۱). «مسئولیت جنایات علیه غیرنظامیان در حقوق بین‌الملل معاصر». *دومین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ*.

- فلاح‌زاده، علی محمد (۱۳۸۶). «نسبت حقوق شهروندی و حقوق بشر». *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۵۸: ۶۴-۴۷.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *حقوق مدنی: الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- مداح، مسعود (۱۴۰۴). «تبیین جنایات منافقین در عملیات "چلچراغ"». *خبرگزاری موج*.

- مداح، مسعود (۱۴۰۴). «وقتی منافقین به نام آزادی، ۸ هزار نفر را قربانی کردند». *مشرق نیوز*.

- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۱). *جنایات بین‌المللی و دیوان کیفری بین‌المللی*. تهران: نشر میزان.

چلچراغ، به‌وضوح نشان داد که حتی با وجود شواهد نسبتاً قوی دال بر عمد، محدودیت‌های صلاحیتی دیوان، از جمله اصل تکمیلی بودن، مصونیت عملی سران دولتی و نقش سیاسی شورای امنیت، می‌تواند مسیر قضایی را مسدود نماید. این امر باعث شده است که دامنه شمول و کارآمدی دیوان به‌شدت محدود شود و اتهام تبعیض‌آمیز بودن علیه آن تقویت گردد.

برای تقویت دیوان، جامعه بین‌المللی باید بر چند محور اصلی تمرکز کند: اول، تقویت همکاری دولت‌ها با دیوان، به‌ویژه در اجرای احکام جلب. دوم، افزایش منابع مالی و کارآگاهی دیوان برای بهبود توانایی آن در جمع‌آوری ادله پیچیده. سوم، ترویج جهان‌شمولی اساسنامه رم از طریق جذب کشورهای بیشتر. و چهارم، تداوم توسعه یک رویه قضایی قوی، شفاف و عادلانه توسط خود دیوان تا مشروعیت آن در چشم جهانیان تقویت گردد. در نهایت، دیوان بین‌المللی کیفری، اگرچه نهادی ناکامل است، اما همچنان قدرتمندترین نماد امید برای قربانیان جنایات بین‌المللی است و تلاش برای تقویت آن، تلاش برای تحقق آرمان‌های انسانی و حاکمیت قانون در عرصه جهانی است.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی مربوط به انجام پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به صورت کامل توسط نویسنده صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از همه کسانی که در بازخوانی و ویرایش اثر همیاری و راهنمایی داشتند، قدردانی و تشکر می‌گردد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- اساسنامه رم دیوان بین‌المللی کیفری (۱۹۹۸). ماده ۶، ۷، ۸، ۲۸، ۳۰.

- Protocol I to the Geneva Conventions. (1977). Articles 51, 54, 55.

- Robinson, Darryl (1999). "The Mental Element in International Criminal Law: The Case for a *Dolus Eventualis*". *European Journal of International Law*, 10(2): 315-318.

- Schabas, William A. (2011). *An Introduction to the International Criminal Court*. Cambridge University Press, p. 78.

- UK Court of Justice. (2012). *Ruling on the Ban of Maryam Rajavi's Entry to the UK*.

- United Nations. (1945). *Charter of the United Nations*.

- UN General Assembly Resolution. (1996). *Definition of Terrorism*.

- US Department of Justice. (2004). *Report on Foreign Terrorist Organizations*.

ب. منابع انگلیسی

- Ahadi, R. & Hatami, M (2022). "The Feasibility of Committing War Crimes and Against Humanity by Peacekeepers in the Framework of the Rome Statute". *International Criminal Law Review*, 12(3):1-15.

- Ambos, Kai (2013). *Treatise on International Criminal Law: Volume I: Foundations and General Part*. Oxford University Press, pp. 296-335.

- Broomhall, Bruce (2003). "International Justice and the Fight against Impunity". *American Journal of International Law*, 97(4): 905-910.

- Cassese, Antonio (2008). *International Criminal Law*. Oxford University Press, p. 112.

- International Military Tribunal. (1945). *Charter of the International Military Tribunal*. London Agreement of August 8th, 1945.

- Convention for the Prevention and Punishment of Terrorism. (1983).

- Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide. (1948).

- Cryer, Robert (2019). *Prosecuting International Crimes: Selectivity and the International Criminal Law Regime*. Cambridge University Press, p. 205.

- European Convention on the Suppression of Terrorism. (1977). Council of Europe.

- Geneva Conventions. (1949). *Four Geneva Conventions and Additional Protocols*.

- International Criminal Court (ICC). (2021). *Judgment in the Case of the Prosecutor v. Dominic Ongwen*. Case No. ICC-02/04-01/15.

- International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY). (2001). *Appeal Judgment in the Case of the Prosecutor v. Radislav Krstić*. Case No. IT-98-33-A.

- International Criminal Court (ICC). (2009). *Decision on the Prosecution's Application for a Warrant of Arrest against Omar Hassan Ahmad Al Bashir*. Case No. ICC-02/05-01/09.